

سہ شاہکار بزرگ
شکسیر

ترجمہ
فہیمہ معجب



درویش - ۱۳۹۵

www.ketab.ir

- سرشناسه : محب، فایده، ۱۳۵۶ -، اقتباس کننده
- عنوان و نام پدیدآور : محب، فایده، شکسپیر/ترجمه فهیمه محب.
- مشخصات نشر : تبریز: رویش، ۱۳۹۴
- مشخصات ظاهری : ۸۵ ص.
- شابک : 9 8-600-7262-58-0
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- یادداشت : کتاب حاضر اقتباسی از سه نمایشنامه و. ا. م. شکسپیر است.
- موضوع : شکسپیر، ویلیام، ۱۵۶۴ - ۱۶۱۶م. - اقتباس ها
- موضوع : داستان های فارسی -- قرن ۱۴
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ س ۹۲۱۵ ح / PIR۸۳۶۱
- رده بندی دیویی : ۸۵۳/۶۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۱۶۷۶۴



شاهکار بزرگ شکسپیر

ترجمه:

ف. ه. ص. ب.

نشرات درویش

نبریز - چهارم بهشتی - منصوریه (۲)

مجمع الملک - منصوریه (۲)

تلفن: ۳۵۵۴۷۶۷ - ۰۴۱ همراه: ۰۶۷ ۰۶۶ ۰۶۷

np_nashr@yahoo.com

www.np-nashr.com

تایپ، طراحی و صفحه‌آرایی : فرشید

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۵

اندازه و تعداد صفحه : رقی ۸۶ ص

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۲-۵۸-۰ - ISBN: 978-600-7262-58-0

قیمت: ۶۰/۰۰۰ ریال

مقدمه

شاه لیر، مرد خیلی پیری است سن زیاد او را ضعیف و نادان کرده او به شخصیت سه دستان پی نبرده و وقتی گونریل و ریگان به او می گویند دوستش دارند سخنان آنها را باور می کند شاه فکر می کند دختر کوچکش کوردلیا او را دوست ندارد چون کوردلیا از به کار بردن سخنان خوب امتناع می کند اما گونریل و ریگان بر او به دست آوردن قدرت حریص اند و به پدرشان توجهی ندارند.

در داستان دوم، شاهزاده گفت: این صبح تاریک و ابری صلح غم انگیزی را به بار خواهد آورد. هرگز داستانی غم انگیزتر از داستان رومئو و ژولیت وجود نخواهد داشت.

رومئو و ژولیت داستان دو خانواده مهم در ورمانه، ایتالیا است. خانواده ها از همدیگر متنفرند رومئو پسر لرد مونتگو که عاشق شریست دختر لرد کاپلت است اما وقتی افراد از همدیگر متنفرند این نفرت همدیگر را تحت تاثیر قرار می دهد. داستان خاتمه خوشی ندارد چون رومئو و ژولیت نمی توانند از جنگی که بین خانواده هایشان است فرار کنند و زندگی خوشی با هم داشته باشند.

در این نمایش نفرت تاثیر بیشتری از عشق در زندگی اشخاص دارد. هر سه داستان در این کتاب پایان غم انگیزی دارد و در هر یک از داستان‌ها شخصیت اصلی می‌میرد آنها می‌میرند چون یا ضعیف یا حریص و یا خیلی نادان هستند.

لرد و بانو مکبث حریص‌اند و در نتیجه افراد زیادی می‌میرند. مکبث همچنین ضعیف است. بانو مکبث می‌گوید: مکبث خیلی مهربان و باگذشت است. چیزی را زیاد می‌خواهد و او بایستی انجام دهد اما از انجام دادن آنها می‌ترسد. من دوستی با او صحبت کنم و او را قوی سازم. مکبث پادشاه و قاتل بیرحم می‌شود. چون همسرش او را به انجام اعمال خبیثانه تشویق می‌کند. در پایان نمایش مکبث هیچ واهمه‌ای از کسی ندارد وقتی همسر مکبث می‌میرد مکبث می‌گوید: اگر زمان دیگری می‌مرد بهتر می‌شد.